

سؤال/جواب ٢: چرا ابراهيم (ع) فقط ستاره و ماه و خورشيد را ديد؟

سؤال/ ٢: لماذا رأى إبراهيم (ع) كوكباً وقمرًا وشمسًا فقط؟
پرسش ٢: چرا ابراهيم (ع) فقط ستاره و ماه و خورشيد را ديد؟

الجواب: الشمس رسول الله ، والقمر الإمام علي (ع) 1، والكوكب الإمام المهدي (ع) 2.

1 عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن قول الله: (والشمس وضحاها) قال: الشمس رسول الله أوضح الله به للناس دينهم، قلت: (والقمر إذا تلاها) قال: ذاك أمير المؤمنين (ع)، قلت: (والنهار إذا جلاها) قال: ذاك الإمام من ذرية فاطمة عليها السلام، يسأل رسول الله فيجلي لمن سألته، فحكى الله سبحانه عنه فقال: (والنهار إذا جلاها). قلت: (والليل إذا يغشاها) قال: ذاك أئمة الجور الذين استبدوا بالأمر دون آل رسول الله وجلسوا مجلساً كان آل رسول الله أولى به منهم، فغشوا دين رسول الله بالظلم والجور، وهو قوله: (والليل إذا يغشاها) قال: يغشي ظلمة الليل ضوء النهار ... بحار الأنوار: ج 24 ص 70. وعن ابن عباس قال: قال رسول الله: (متلني فيكم مثل الشمس ومثل علي مثل القمر، فإذا غابت الشمس فاهتدوا بالقمر) بحار الأنوار: ج 24 ص 76.

2 الإمام المهدي (ع) إذا قرن مع رسول الله والإمام علي وفاطمة الزهراء والحسن والحسين ... فهو الكوكب الذي، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن أبيه، عن أمير المؤمنين (ع) قال: (قال رسول الله: لما اسري بي إلى السماء أوحى إلي ربي (عز وجل) إلى أن قال: فقال (ع): ارفع رأسك فرفعت رأسي وإذا أنا بأنوار علي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد؟ والحسن بن علي، و"م ح م د" بن الحسن القائم في وسطهم كأنه كوكب دري، قلت: يا رب ومن هؤلاء؟ قال: هؤلاء الأئمة وهذا القائم الذي يحلل حلالي ويحرم حرامي وبه أنتقم من أعدائي، وهو راحة لأوليائي، وهو الذي يشفي قلوب شيعتك من الظالمين والجاحدين والكافرين) كمال الدين وتمام النعمة: ص 252.

پاسخ: خورشید، پیامبر خدا (ص) است، و ماه، امام علی (ع) و ستاره، امام مهدی (ع) می باشد. 4

والشمس والقمر والکوکب فی الملکوت کانت تجلی الله فی الخلق، ولهذا اشتبه بها ابراهیم (ع) ولكن کل بحسبه. واختص محمد وعلی والقائم بأنهم تمام تجلی الله فی الخلق فی هذه الحیاة الدنیا؛ لأنهم مُرسَلین و لیس فقط مُرسَلین.

خورشید و ماه و ستاره در ملکوت، تجلی خدا در خلق می باشند و به همین دلیل امر بر ابراهیم (ع) مشتبه شد؛ لیکن هر کدام به فراخور حال خود. آن حضرت، محمد و علی و قائم (ع) را به طور خاص ذکر می کند؛ چرا که آن ها غایت تجلی خدا در خلق، در این زندگی دنیوی می باشند؛ زیرا آن ها مرسل (ارسال کننده) هستند، و نه فقط مرسل (ارسال شده).

ولأن محمداً هو صاحب الفتح المبین، وهو الذی فتح له مثل سم الإبرة، وكشف له شيء من حجاب اللاهوت، فرأى من آیات ربه الكبرى 5. وهو مدينة العلم 6، وهي صورة لمدينة الكمالات الإلهية أو الذات الإلهية.

و از آنجا که حضرت محمد (ص) صاحب فتح المبین است و او کسی است که چیزی شبیه سوراخ سوزنی برایش گشاده شد و چیزی از حجاب لاهوت برایش کنار رفت، و از نشانه های

³ از ابو بصیر نقل شده است: از ابو عبدالله (ع) در مورد این سخن خداوند متعال (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش) سؤال کردم. فرمود: «خورشید، رسول خدا ص است که خداوند با او دین مردم را برایشان واضح می گرداند». عرض کردم: (و سوگند به ماه چون از پی آن برآید). فرمود: «امیر المؤمنین (ع) است». عرض کردم: (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). فرمود: «منظور امام از نسل فاطمه ص است که از دین رسول خدا پرسیده می شود و برای کسی که پرسیده است، روشن می کند، و خداوند حکایت می کند: (و سوگند به روز چون آن را روشن کند)». عرض کردم: (و سوگند به شب چون فرو پوشدش). فرمود: «منظور امامان جور و ستم هستند؛ کسانی که به جای آل محمد ع مستبدانه حکومت کردند و بر جایگاهی که آل رسول خدا ص به آن سزاوارتر بودند، تکیه زدند و دین رسول خدا ص را با ظلم و ستم پوشانیدند و این همان سخن خداوند متعال است که (و سوگند به شب چون فرو پوشدش)» و فرمود: «ظلم آن ها نور روز را پوشانید...». بحار الانوار: ج 24 ص 70. از ابن عباس روایت شده است: رسول خدا ص فرمود: «مثل من بین شما مانند خورشید و مثل علی، مانند ماه است. هنگامی خورشید پنهان شد، با ماه هدایت جویید». بحار الانوار: ج 24 ص 76.

⁴ اگر امام مهدی (ع) با رسول خدا ص و امام علی و فاطمه زهرا و حسن و حسین ع... مقارنه شود، چون ستاره ای درخشان می باشد. از امام صادق جعفر بن محمد (ع) از پدرانش ع از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: «رسول خدا ص فرمود: هنگامی که به آسمان برده شدم پروردگارم به من وحی فرمود... تا اینکه فرمود: خدای عزوجل فرمود: سر بلند کن. سر بلند کردم و ناگاه انوار علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و «م ح م د» بن الحسن قائم را دیدم که در وسط آن ها مانند ستاره ای درخشان بود. عرض کردم: پروردگار اینها کیانند؟ فرمود: اینها امامان اند و این همان قائمی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند و به وسیله ای او از دشمنانم انتقام گیرم و او مایه ای راحتی دوستان من است و او است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می دهد...». کمال الدین و تمام النعمه: ص 252.

⁵ ورد عن الإمام الصادق (ع) في حديث المعراج : (... إلى أن يقول: ... فنظر في مثل سم الإبرة إلى ما شاء الله من نور العظمة ، فقال الله تبارك وتعالى: يا محمد، قال : لبيك ربي، قال : (... الكافي : ج 1 ص 443.

⁶ ورد عن الرسول الحديث المعروف : (أنا مدينة العلم وعلي بابها (...).

بزرگ پروردگارش را دید. 7 او همان شهر علم است؛ 8 شهری که صورت کمالات الهی یا ذات الهی می‌باشد.

أما علي فلأنه باب مدينة العلم، وهو جزء منها، وكل ما يفاض منها يفاض من خلاله. فمحمد تجلي الله سبحانه وتعالى، واسم الله سبحانه في الخلق، وعلي ممسوس بذات الله 9، فعندما لا يبقى محمد، ولا يبقى إلا الله الواحد القهار في آتات، يكون علي عليه صلوات ربي هو تجلي الله سبحانه في الخلق، وفاطمة عليها صلوات ربي معه، وهي مخصوصة بأنها باطن القمر وظاهر الشمس. ولهذا قال علي (ع): (لو كشف لي الغطاء لما ازدت يقيناً) 10؛ لأنه وإن لم يكشف له الغطاء، ولكنه بمقام من كشف له الغطاء.

اما علی (ع)، از آنجا که باب شهر علم است، بخشی از آن به شمار می‌رود، و هر آنچه از آن افاضه می‌شود از طریق او می‌باشد. محمد (ص) تجلی خدای سبحان و متعال و اسم خداوند سبحان در خلق است و علی ممسوس به ذات الهی است. 11 هنگامی که محمد (ص) باقی نمی‌ماند، و در لحظاتی جز خدای واحد قهار چیز دیگری باقی نمی‌ماند، علی که صلوات پروردگارم بر او باد، تجلی خدای سبحان در خلق می‌باشد و فاطمه که صلوات پروردگارم بر او باد نیز همراه او است. و حضرت فاطمه (س) با او خواهد بود. ایشان به عنوان باطن ماه و ظاهر خورشید اختصاص داده شده است. و از همین رو علی (ع) می‌فرماید: «اگر پرده از پیش روی من برداشته شود، چیزی بر یقینم افزوده نگردد»؛ 12 چرا که ایشان در مقام کسی است که پرده از جلویش برداشته شده، هر چند پرده در حقیقت از جلوی آن حضرت برداشته نشده باشد.

أما القائم (ع) فهو تجلي اسم الله سبحانه وهو حي وقبل شهادته؛ لطول حياته وطول عبادته مع كمال صفاته وإخلاصه، فهو يصل صلاته بقتوته وقنوته بصلاته، وكأنه لا يفتر عن عبادة الله سبحانه. ولأنه الجالس على العرش يوم الدين أي يوم

7 از امام صادق (ع) در حدیث معراج رواست شده است: «... تا اینکه فرمود: ... پیامبر گویی به اراده‌ی خدا، از چیزی شبیه میان سوراخ سوزن به نور عظمت الهی نگریست. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! گفت: لبیک، پروردگارم. فرمود: ...». کافی: ج 1 ص 443.

8 از رسول خدا ص روایت شده است: «من شهر علم و علی درب آن است...».

9 هذا التفسير يوضح لنا قول الرسول في حق أمير المؤمنين (ع): (لا تسبوا علياً فإنه ممسوس بذات الله) الغدير - الشيخ الأميني : ج 10 ص 213.

10 المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 317.

11 این تفسیر گفتار رسول خدا ص در حق امیرالمؤمنین (ع) را برای ما آشکار می‌کند: «به علی دشنام ندهید که او ممسوس به ذات خداوند است». غدير - شيخ اميني: ج 10 ص 213.

12 مناقب ابن شهر آشوب: ج 1 ص 317.

القيامة الصغرى، وفي القرآن اليوم المعلوم. ولأنه الحاكم باسم الله بين الأمم في ذلك اليوم، فلا بد أن يكون مرآة تعكس الذات الإلهية في الخلق ليكون الحاكم هو الله في الخلق، فيكون كلام الإمام (ع) هو كلام الله، وحكمه هو حكم الله، وملك الإمام (ع) هو ملك الله سبحانه وتعالى، فيصدق في ذلك اليوم قوله تعالى في سورة الفاتحة: (ملك يوم الدين)، ويكون الإمام (ع) في ذلك اليوم عين الله، ولسان الله الناطق، ويد الله¹³.

امام قائم (ع) تجلّى اسم خدای سبحان است، آنگاه که زنده است و پیش از شهادتش؛ و این به جهت طول حیات آن حضرت و طول عبادت او با کمال صفاتش و اخلاص او می‌باشد. آن حضرت نمازش را به قنوتش متصل می‌کند و قنوتش را به نمازش؛ گویی از عبادت خدای سبحان خسته و ملول نمی‌گردد؛ و از آنجا که در روز دین یعنی روز قیامت صغری و آن‌طور که در قرآن ذکر شده است، روز معلوم، او بر عرش نشسته است، و از آنجا که حاکم به نام خدا بین ملت‌ها در آن روز می‌باشد، حتماً باید آینه‌ای باشد که ذات الهی را در خلق منعکس می‌گرداند تا حاکم، همان خداوند در خلق باشد و به این ترتیب سخن امام (ع) همان سخن خداوند، و حکم او حکم خدا، و سلطنت امام (ع) سلطنت خدای سبحان و متعال باشد و در آن روز آن حضرت، مصداق کلام خداوند متعال در سوره‌ی فاتحه که می‌فرماید: (ملك يوم الدين) (آن فرمان‌روای روز جزا) می‌باشد. در آن روز امام (ع) چشم خدا و زبان گویای خدا و دست خداوند می‌باشد.¹⁴



¹³ عن الإمام الصادق (ع) في كلام طويل مع المفضل بن عمر: (... بل يا مفضل يسند القائم (ع) ظهره إلى الحرم، ويمد يده فترى بيضاء من غير سوء ويقول: هذه يد الله، وعن الله، ويأمر الله، ثم يتلو هذه الآية: " إن الذين يبائعونك إنما يبائعون الله يد الله فوق أيديهم فمن نكث فإنما ينكث على نفسه "...). بحار الأنوار: ج 53 ص 8.

¹⁴ در گفتگویی طولانی با مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت شده است: «... ای مفضل! بلکه قائم پشتش را به حرم تکیه می‌دهد و دستش را بیرون می‌آورد که آن را سفید بدون هیچ عیب و نقصی می‌بینی در حالی که می‌فرماید: این دست خداوند و از جانب خداوند و به امر خداوند است. سپس این آیه را تلاوت می‌کند: (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست خدا روی دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکند، به زیان خود شکسته است)....». بحار الأنوار: ج 53 ص 8.